

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[نشریه: اخبار امری]

[تاریخ: بهمن ماه ۱۳۲۸]

[شماره: ۱۰]

[صفحه: ۶ - ۵]

اینک شرح شهادت شهید سعید [دکتر سلیمان برجیس] و خلاصه اقدامات اینمحقق:

اول - شرح شهادت

روز جمعه چهاردهم بهمن ماه سنه ۱۳۲۸، مطابق با سوم فوریه سنه ۱۹۵۰ ساعت ۳۰: ۸ صبح دو نفر از اهالی کاشان به مطب آقای دکتر برجیس مراجعت و ایشان را به عیادت مریض دعوت می‌نمایند. چون قریب ۱۰ نفر در اطاق انتظار آقای دکتر منتظر فرارسیدن نوبت خویش بوده‌اند، ایشان از آن دو نفر تقاضا می‌نمایند که این عیادت موکول به بعد گردد. دو نفر مزبور اظهار می‌کنند که چون مریض بستری و مرض شدید است، تأخیر به هیچ وجه امکان‌پذیر نمی‌باشد. آقای دکتر بر اثر اصرار و الحاح آن دو نفر، ناچار مرضی را در مطب به حال انتظار گذاشته و همراه مشارالیهما به سوی محله دربند کله‌ر روانه می‌شوند. پس از عبور از کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ محله مزبوره که خانه شیخ باقر واعظ نیز در همان محله واقع است و شش نفر قبلاً در آن خانه منتظر ورود آقای دکتر بوده‌اند، به منزلی که در منتهی‌الیه آن دربند واقع و فقط پیرزنی در آن سکنی داشته، وارد می‌شوند و به محض ورود، شش نفر مزبور نیز به آن دو نفر ملحق شده، به دکتر حمله می‌نمایند و با مشت و لگد و ضربات کارد و چاقو آن نفس جلیل را مضروب و مجروح می‌سازند و سپس ایشان را از ارتفاع ۵ متر با فرق به زمین پرتاب می‌نمایند و بعد خودشان نیز به پایین رفته، به هجوم خود ادامه می‌دهند. دکتر هنوز در قید حیات بوده که یکی از مهاجمین موسوم به محمد رسول‌زاده با ضربات متوالی و پی‌درپی کارد و چاقو، ایشان را به شهادت می‌رساند. این شخص قصی‌القلب به طوری جسد دکتر را با کارد سوراخ سوراخ می‌کند که به تصدیق خود اهالی بیش از هشتاد ضربه بر بدن ایشان وارد می‌آورد. وقتی آن پیرزن این واقعه را مشاهده می‌نماید و التماس و التجای او در مهاجمین بی‌انصاف مؤثر واقع نمی‌شود، مشارالیهما به بالای بام رفته، فریاد می‌زند و همسایگان را از این واقعه خونین مطلع می‌سازد و چون این خبر به سرعت برق در شهر منتشر می‌شود، متجاوز از سه هزار نفر در پیرامون محل واقعه اجتماع می‌نمایند. محمد رسول‌زاده، قاتل بی‌رحم، دست‌های خون‌آلود خود را با برف شسته و به همراهی هفت نفر دیگر الله اکبر گویان از بازار کاشان عبور کرده، به سوی شهربانی می‌روند و در عرض راه جمعیتی قریب هفتاد نفر نیز به آنان می‌پیوندند. وقتی این جمعیت به شهربانی می‌رسند، آن هشت نفر خود را معرفی و اظهار می‌کنند که ما از اعضای جمعیت تبلیغات اسلامی هستیم و دکتر برجیس را به قتل رسانده‌ایم. وقتی شهربانی آن هشت نفر را توقیف می‌نماید، اهالی به تهدید عناصر ماجراجو دکاکین خود را به عنوان اعتراض بسته و قصد هجوم به شهربانی و استخلاص آن هشت نفر را می‌نمایند، ولیکن بعد، از این عمل منصرف می‌شوند.

پس از معاینه طبیب قانونی، ساعت ۱۰ شب عده‌ای از احباء با حضور چند نفر پاسبان و نگهبان به مقتل شهید رفته و جسد را روی دوش به گلستان جاوید که در سه کیلومتری شهر کاشان واقع است، انتقال می‌دهند و سی نفر پاسبان و نگهبان شب را با احباء در گلستان جاوید برای محافظت جسد به سر می‌برند. اخوان و پسران شهید ساعت ۳ از نصف شب روز جمعه ۱۴ بهمن ماه از طهران به کاشان وارد می‌شوند و ساعت ۷ صبح به گلستان جاوید می‌روند، جسد شهید مجید پس از معاینه ثانوی به واسطه دکتر پروفسور برجیس اخوی شهید و عکس‌برداری، در گلستان جاوید به آداب بهائی مدفون می‌شود و محافل تذکر عیدیه در کاشان و طهران منعقد و در محافل مزبوره برای نجات و

استخلاص نفوس غافله از گرداب جهل و غفلت دعا و مناجات می‌شود و با قلبی متوجّه از حقّ جلّ جلاله مسألت می‌گردد که این اشخاص به راه راست هدایت شوند.

محفل مقدّس روحانی طهران نیز روز پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه سنه ۱۳۲۸ در حظیرةالقدس ملى جلسه تذکری به یاد آن شهید مجید منعقد ساخته است.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]